



# مام سیمای مام استجد

محمد میانجی

## اشاره:

مرتبط با امامت و نیز ویژگیهای شخصی مرتبط با خداوند بحث شد. اینک ادامه بحث را پی می‌گیریم. ویژگیهای امام در ارتباط با جامعه

### ۱. حق مداری

امام باقر علیه السلام فرمود: هنگامی که پدرم لحظات آخر عمر را می‌گذرانند، مرا به سینه‌اش چسباند و فرمود: «يَا بُنَيَّ اَوْصِيكَ بِمَا اَوْصَانِي بِهِ اَبِي حَيْثُ حَضَرْتَهُ الْوَفَاةَ وَبِمَا ذَكَرَ اَنَّ اَبَاهُ اَوْصَاهُ بِهِ يَا بُنَيَّ اضْبِرْ عَلَيَّ الْحَقَّ وَاِنْ كَانَ مُرّاً! ای پسر عزیزم! تو را وصیت می‌کنم به آنچه پدرم هنگام

در بخش پیشین این مقاله که به مناسبت شهادت امام سجاد علیه السلام در مجله مبلغان شماره ۵۱ به چاپ رسید، برخی از ویژگیهای امام سجاد علیه السلام مورد بحث قرار گرفت. در آنجا ویژگیهای آن حضرت را در ابتدا به دو بخش تقسیم کردیم: ۱. ویژگیهای مرتبط با امامت؛ ۲. ویژگیهای شخصی آن حضرت. ویژگیهای شخصی آن حضرت را نیز به دو قسم تقسیم کردیم: ویژگیهایی که در ارتباط با خدا مطرح است و ویژگیهایی که در ارتباط با خود و مردم مطرح است.

در قسمت قبلی مقاله، ویژگیهای

گرفت<sup>۱</sup>.

این حدیث نیز از آن حضرت است که فرمود: «عَلَيْكُمْ بِأَدَاءِ الْأَمَانَةِ فَوَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ أَنَّ قَاتِلَ أَبِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِتْمَنَنِي عَلَى السَّيْفِ الَّذِي قَتَلَهُ بِهِ لِأَدِيَّتِهِ إِلَيْهِ؛<sup>۲</sup> بر شما باد به ادای امانت! قسم به کسی که محمد ﷺ را به حق به نبوت برانگیخت! اگر قاتل پدرم، حسین بن علی ﷺ شمشیری را که با آن پدرم را به شهادت رساند، به من به امانت بسپارد، به او باز می‌گردانم.»

### ۳. بودباری و گذشت

امام سجاد ﷺ از پیامبر اکرم ﷺ نقل کرد که: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا جُمِعَ شَيْءٌ إِلَى شَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ حِلْمٍ إِلَى عِلْمٍ؛<sup>۳</sup> به خدایی که جانم در دست اوست، قسم! دو چیز با هم جمع نشده‌اند که بالاتر از بردباری همراه با علم باشد.»

آن حضرت می‌فرمود: «الصَّبْرُ مِمَّنْ

شهادت به من وصیت کرد و فرمود که پدرش به او وصیت کرده است. پسر جانم! بر حق استقامت کن، گرچه تلخ باشد.»

### ۲. وفای به عهد و امانت

عباس بن عیسی می‌گوید: حضرت علی بن الحسین ﷺ دچار تنگنای مالی شد. روزی نزد یکی از غلامان آزادشده‌اش رفت و از او ده هزار درهم قرض خواست، او تقاضای وثیقه کرد و امام نخی از عبایش کند و فرمود: این وثیقه من. غلام نپسندید و امام ناراحت شد و فرمود: آیا من به وفا سزاوارترم یا حاجب بن زراره؟ غلام گفت: شما. فرمود: چه شد که حاجب کمان چوبی‌اش را در مقابل صد شتر به یک کافر داد و به آن وفا کرد و من به نخ عبای خود وفا نمی‌کنم؟ غلام نخ را گرفت و در قوطی گذاشت و ده هزار درهم داد. مدتی بعد امام پول را برگرداند و وثیقه‌اش را خواست. غلام ابراز کرد که گم شده است. امام فرمود: پس پولت را هم نگیر، چون من کسی نیستم که به وثیقه‌ام بی‌اعتنا باشم. به این ترتیب، غلام نخ را داد و پولش را

۱. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۲۳۶؛

وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۶۲۱.

۲. تحلیلی از زندگانی امام سجاد ﷺ، باقر

شریف قرشی، ج ۲، ص ۱۹۶ به نقل از دار السلام،

ج ۲، ص ۱۴۰.

۳. الخصال، شیخ صدوق، ص ۵.

الایمان بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَلَا إِيْمَانَ لِمَنْ لَا صَبْرَ لَهُ؛<sup>۱</sup> صبر نسبت به ایمان به مانند سر نسبت به بدن است. کسی که صبر ندارد ایمان ندارد.» و نیز می فرمود: «روز قیامت منادی ندا می زند: اهل فضیلت برخیزند! در این هنگام جمعی پیش از آنکه در مقام محاسبه قرار بگیرند، بر می خیزند. به آنها گفته می شود: به سوی بهشت بروید! فرشتگان که به آنها می رسند، می پرسند: به کجا می روید؟ می گویند: به بهشت. می پرسند: چطور چنین شایستگی یافتید؟ می گویند: هرگاه (مردم) به ما با نادانی برخورد می کردند، بردبار بودیم، اگر ستم می کردند، شکیبا بودیم و زمانی که به ما بدی می کردند، می بخشیدیم ... بار دیگر منادی صدا می زند: صبرکنندگان برخیزند!... می گویند: ما بر اطاعت از فرمانهای خدا صبر کردیم و با شکیبایی خود را از گناه و نافرمانی باز داشتیم...»

در صحنه عمل نیز رفتار امام حلیمانه بود. مردی از خوارج به حضرت دشنام داد و غلامان خواستند

از او انتقام بگیرند. امام فرمود: آرام باشید! وبه آن مرد فرمود: آنچه از ما نمی دانی، بیشتر از چیزی است که ظاهر است. آیا نیازی داری که بر طرف سازیم؟ او خجالت کشید و سر به زیر انداخت. به غلامش فرمود: هزار درهم به او بده! همین کار سبب هدایت او شد.<sup>۲</sup>

#### ۴. حفظ کرامت انسانها و احترام به

##### آنان

حفظ حرمت انسانهای آزاد یا برده برای امام یک سیره و روش دائمی بود تا آنجا که نقل شده است: هرگاه می خواست مسافرت کند، دو رکعت نماز می خواند، آن گاه سوار مرکب می شد. اگر غلامانش برای نوافل باقی می ماندند، منتظر آنها می ایستاد. بعضی می پرسیدند: چرا آنها را از این کار منع نمی کنید؟ می فرمود: دوست ندارم بنده ای را از نماز خواندن منع کنم. من

۱. الکافی، ج ۲، ص ۸۹؛ زندگانی امام زین العابدین علیه السلام، مقدم، ص ۲۴۵، به نقل از حلیة الاولیاء، ج ۳، ص ۱۵۹.

۲. کشف الغممه، ص ۲۰۵؛ نمونه های دیگر، ر.ک: بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۲۷؛ امالی مفید، ص ۱۲۸؛ عوالم، ج ۱۸، ص ۱۱۲؛ الکامل، ج ۳، ص ۸۰.

سنت را دوست دارم.

و زمانی که بر گروهی از جزامیان می‌گذشت و آنها سفره شان را پهن کرده بودند، فرمود: اگر روزه دار نبودم، اجابت دعوت می‌کردم. آن گاه وقتی به خانه رفت، غذای مناسبی درست کرد و آنها را دعوت نمود و با آنها مشغول غذا خوردن شد.<sup>۱</sup>

#### ۵. تواضع

امام سجاد علیه السلام ملاک حسب و مباحات به آن را تواضع و فروتنی می‌دانست. از سخنان آن حضرت است که: «لَا حَسَبَ لِقُرَشِيٍّ وَلَا عَرَبِيٍّ إِلَّا بِتَوَاضُعٍ»<sup>۲</sup> برای قرشی و عرب حسبی جز تواضع نیست. و می‌فرمود: «إِنَّ فِي السَّمَاءِ مَلَائِكِينَ مُوَكَّلِينَ بِالْعِبَادِ فَمَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَاهُ وَ مَنْ تَكَبَّرَ وَصَفَّاهُ»<sup>۳</sup> همانا در آسمان دو فرشته موکل برای بندگان وجود دارد

که هرکس برای خدا تواضع کند بالا می‌برند و آن را که تکبر کند، پایین آورند. و می‌فرمود: «سَبَبُ الرَّفْعَةِ التَّوَاضُّعُ»<sup>۴</sup> تواضع وسیله بلندمقامی است.»

آن حضرت در عرصه عمل هم مردی فروتن و متواضع بود و «چنان

آرام و متواضع راه می‌رفت که گویا پرنده‌ای بر سرش نشسته است و هرگز از مرز اعتدال خارج نمی‌شد.»<sup>۵</sup> وقتی مسافرت می‌کرد، خود را به همسفران معرفی نمی‌کرد و کارهای آنها را انجام می‌داد. در مسافرتی، مردی حضرت را شناخت و به همراهان گفت: او را می‌شناسید! او علی بن الحسین علیه السلام است. آنان از امام عذرخواهی کردند و زمانی که سؤال شد: چرا با افراد نا آشنا مسافرت می‌کنید؟ فرمود: «در یکی از سفرها که کاروانیان مرا می‌شناختند، به خاطر رسول خدا صلی الله علیه و آله محبت‌هایی کردند که سزاوارش نبودم؛ لذا تصمیم گرفتم با غریبه‌ها مسافرت کنم.»<sup>۶</sup>

#### ۶. عزت مندی امام سجاد علیه السلام

امام سجاد علیه السلام در عین تواضع و

۱. زندگانی امام زین العابدین علیه السلام، مقرر، ص ۴۹۰، به نقل از محاسن، ج ۱، ص ۱۲۳، کافی در حاشیه مرآت العقول، ج ۲، ص ۱۳۰.

۲. بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۲۰.

۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۲۲، و از امام صادق علیه السلام در بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۶.

۴. تحلیلی از زندگی امام سجاد علیه السلام، ص ۲۰۸، به

نقل از تحف العقول، ص ۲۰۸.

۵. محاسن برقی، ج ۱، ص ۱۲۵.

۶. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۴۹.

پیروز است! امام فرمود: اگر می خواهی بدانی پیروز کیست، هنگام نماز اذان و اقامه بگو.<sup>۲</sup>

#### ۷. زهد امام سجاده علیه السلام

امام سجاده علیه السلام آینه زهد واقعی بود و می فرمود: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ ثَنَائِي عَلَيْكَ وَمَدْحِي إِيَّاكَ وَحَمْدِي لَكَ فِي كُلِّ حَالَتِي حَتَّى لَا أَفْرَحَ بِمَا آتَيْتَنِي مِنَ الدُّنْيَا وَلَا أَخْزَنَ عَلَيَّ مَا سَنَعْتَنِي فِيهَا»<sup>۳</sup>؛ خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست! ثنا و حمد و مدح مرا در تمام حالاتم مخصوص خود گردان! تا به آنچه از دنیا می دهی، شاد نشوم و به آنچه از دنیا منع می کنی، محزون نشوم.

آن حضرت پیرامون علامت زاهدین می فرمود: «إِنَّ عَلَامَةَ الزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا الزَّاهِبِينَ فِي الْآخِرَةِ تَرَكَهُمْ كُلَّ خَلِيطٍ وَخَلِيلٍ وَرَفَضَهُمْ كُلَّ صَاحِبٍ لَا يَرِيدُ مَا يَرِيدُونَ أَوْ إِنْ الْعَامِلَ لِيُؤَابَ الْآخِرَةَ هُوَ الزَّاهِدُ فِي

فروتنی، هرگز گرفتار خواری و ذلت نمی شد و همواره عزت خود را حفظ و بر اساس عزت مداری رفتار می کرد. در عرصه مناجات آن حضرت، این جملات نشان از اوج عزت جویی الهی و واقعی ایشان دارد: «... ذَلَّلْنِي يَتِيَنَ يَدَيْكَ وَأَعِزَّنِي عِنْدَ خَلْقِكَ وَوَضَعْنِي إِذَا خَلَوْتُ بِكَ وَأَزْفَعْنِي بَيْنَ عِبَادِكَ وَأَغْنِنِي عَمَّنْ هُوَ عَنِّي وَزِدْنِي إِلَيْكَ فَاقَةً وَفَقْرًا وَأَعِزَّنِي مِنَ شِمَاتِهِ الْأَغْضَاءِ وَمِنْ حُلُولِ الْبِلَاءِ وَمِنْ الدُّلِّ وَالْغِنَاءِ...»<sup>۱</sup> مرا در پیشگاه خود خوار و نزد آفریدگانت عزیز گردان! و چون با تو خلوت کنم و تنها باشم، فروتن و در میان بندگان بلند مرتبه و سرافرازم نما! و از کسی که بی نیاز است، بی نیازم ساز! و بر فقر و نیازمندیم به درگاهت، بیافزا و از شماتت دشمنان و از پیشامد بلا و ذلت و رنج و گرفتاری پناهم ده! نمونه ای از عزت طلبی امام زین العابدین علیه السلام در عرصه سیاسی را مورخین چنین نوشته اند که: «ابراهیم بن طلحة که در زمان اسارت اهل بیت علیهم السلام در شام بود، خود را به آنان رساند و از امام زین العابدین علیه السلام پرسید: علی بن الحسین! حالا چه کسی

۱. صحیفه سجادیه، دعای ۲۷، (دعای عرفه).

نمونه دیگر در تحف العقول، ص ۲۷۸.

۲. امالی طوسی، ج ۲، ص ۲۹۰.

۳. صحیفه سجادیه، دعای ۲۰.

عَاجِلٍ زَهْرَةَ الدُّنْيَا؛<sup>۱</sup> همانا نشانی زاهدان در دنیا و راغبین در آخرت، وا گذاشتن هر معاشر و دوست و کنار زدن هر مصاحبی است که آنچه را انسان می‌خواهند او نمی‌خواهد. بدانید عمل کننده به جهت ثواب آخرت، زاهد در لذتهای زودگذر دنیا است.»

پیرامون درجات زهد نیز می‌فرمود: «الزُّهْدُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ فَأَعْلَى دَرَجَاتِ الزُّهْدِ أَدْنَى دَرَجَاتِ الرِّضَا، أَلَا وَإِنَّ الزُّهْدَ فِي آيَةِ مَنْ كَتَبَ اللَّهُ ﴿لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ﴾؛<sup>۲</sup> زهد ده درجه دارد. بالاترین درجات زهد، پایین‌ترین درجات رضاست. آگاه باشید که زهد در آیه‌ای از کتاب خداست: بر آنچه از دست شما رفته است، افسوس نخورید و به آنچه به دست شما رسیده، شاد مباشید!»

امام سجاد فرزندانش را هم به زهد دعوت می‌کرد و به نقل امام محمد باقر علیه السلام می‌فرمود: «دنیا پشت کرده و می‌رود و آخرت رو کرده و می‌آید و برای هر کدام از آنها فرزندانانی است. پس شما از فرزندان آخرت باشید، نه از فرزندان دنیا و در دنیا زاهد و نسبت

به آخرت راغب باشید....

آگاه باشید که هر کس مشتاق بهشت است، از تمایلات نفسانی دوری می‌کند و هر کس از آتش می‌ترسد، از آنچه حرام است دست برمی‌دارد و کسی که در دنیا زاهد باشد، مصیبت‌ها بر او آسان می‌آید...»<sup>۳</sup>

امام سجاد علیه السلام حتی در حدیثی قدسی از قول خداوند می‌فرمود: «يَا بَنِي آدَمَ اِرْضُ بِمَا آتَيْتَكَ، تَكُنْ مِنَ أَزْهَدِ النَّاسِ؛<sup>۴</sup> ای فرزندان آدم! به آنچه به تو داده‌ام راضی باش تا از زاهدترین مردم باشی.»

در مقام رفتار نیز همین بس که به دلیل شدت توجه حضرت به زهد، این ویژگی در شمار القابش جای گرفت، از جمله ابن شهر آشوب می‌نویسد: «لَقَبُهُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ... وَالزَّاهِدُ وَالْعَابِدُ؛<sup>۵</sup> لقبش زین العابدین... و زاهد و عابد است.»

۱. تحف العقول، ص ۱۹۶.

۲. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۱۱.

۳. اصول کفای، حاشیه مرآة العقول، ج ۲، ص ۱۳۷، مذمت دنیا، ح ۱۵.

۴. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۳۹.

۵. مناقب ج ۴، ص ۱۷۵؛ همچنین سخن مفصلی

را از حضرت در تحف العقول، ص ۶۵ ببینید.

## ۸. جوانمردی

ابن سعد می نویسد: «هشام بن اسماعیل، امام سجاده و اهل بیت علیهم السلام را آزار می داد و بر منبر از علی علیه السلام گله می کرد. وقتی ولید بن عبد الملک به حکومت رسید، او را عزل کرد و فرمان داد وی را برابر مردم نگاه دارند (تا مردم هر چه بخواهند به او بگویند). هشام گفت: از کسی جز علی بن الحسین نمی ترسم. راوی می گوید: گفتم علی بن الحسین علیه السلام مردی صالح است که گفتارش گوش داده می شود. علی بن الحسین علیه السلام فرزندانش را جمع کرد و آنان را از تعرض به وی باز داشت. حضرت خودش هم صحیح برای حاجتی از منزل خارج شد و بدون اینکه به او تعرض کند، بر او گذر کرد. هشام بن اسماعیل با صدای بلند فریاد زد: خدا داناتر است که رسالت خود را کجا قرار دهد.»<sup>۱</sup>

عبد الله فرزند امام سجاده علیه السلام هم می گوید: پدر ما را جمع کرد و فرمود: «إِنَّ هَذَا الرَّجُلَ قَدْ عَزَلَ وَقَدْ أَمَرَ بِوَفْقِهِ لِلنَّاسِ فَلَا يَتَعَرَّضُ لَهُ أَحَدٌ مِنْكُمْ»<sup>۲</sup> این مرد عزل شده و امر شده بین مردم نگه داشته

شود. پس هیچ کدام از شما متعرض او نشود.»

## ۹. خدمتگزاری به مردم

از درخشان ترین ابعاد زندگی امام سجاده علیه السلام خدمت های او به امت اسلامی است.

آن حضرت سنگدلی نسبت به فقرا و مستمندان، ستم به یتیمان و بیوه زنان و رد سائل در شب را از گناهانی می دانست که مانع نزول باران از آسمان می شوند.<sup>۳</sup> و در سخنی جامع پیرامون این وظیفه مهم انسانی فرمود: «کسی که یک نیاز برادرش را بر آورد، خداوند صد نیازش را رفع می کند. کسی که اندوهی از دل برادرش بردارد، خداوند اندوه روز قیامت را از او برطرف می سازد، هر قدر هم که زیاد باشد، و هر کس برادرش را که در مقابل ستمکار قرار گرفته، یاری کند، خدا او را در عبور از پل صراط یاری می کند، در وقتی که قدمها می لغزد. و کسی که به

۱. طبقات الکبری، ج ۵، ص ۲۲۰؛ ارشاد، ج ۲،

ص ۱۴۷.

۲. همان، ج ۵، ص ۱۷۰.

۳. معانی الاخبار، ص ۷۸، باب ۱۳۶.

می‌دهد. و کسی که برادر مؤمن بیمارش را عیادت کند، فرشتگان دور او را می‌گیرند و برایش دعا می‌کنند تا هنگامی که از آنجا بیرون آید و به او می‌گویند: خوشا به حالت و بهشت گوارایت! به خدا سوگند! برآوردن حاجت مؤمن در پیشگاه خدا محبوب‌تر از دو ماه روزه پی در پی با اعتکاف آن دو ماه در ماه حرام می‌باشد.<sup>۱</sup>

زهری در یک شب بارانی امام زین العابدین علیه السلام را مشاهده کرد که آرد حمل می‌کند و با خود می‌برد. عرض کرد: یابن رسول الله کجا می‌روی؟ امام فرمود: می‌خواهم سفری بروم و برای آن سفر توشه‌ای برداشته‌ام و می‌خواهم آن را در جای مطمئنی بگذارم. زهری خواست محموله را به غلام بدهد، امام نپذیرفت. زهری خواست خودش بردارد، اما باز امام مانع شد و او را سوگند داد که برگردد. زهری برگشت و بعد از چند روز که امام را دید،

دنبال حاجت برادر مؤمنش برود و با برآوردن حاجتش او را مسرور سازد، چنان است که رسول خدا صلی الله علیه و آله را مسرور ساخته است. و هر کس او را سیراب کند، خدا او را از شراب سر به مهر بهشتی سیراب سازد. و هر کسی گرسنگی او را با طعام برطرف کند، خدا او را از میوه‌های بهشت سیر کند. و کسی که برهنگی او را بپوشاند، خدا او را با پارچه‌های زربافت و حریر بپوشاند. و اگر با اینکه برهنه نیست او را لباسی بپوشاند، پیوسته در حفظ خداست تا هنگامی که نخنی از آن لباس بر تن او باشد. و کسی که کار مهم برادرش را کفایت کند، خداوند پسران بهشتی را خدمتگزار او سازد. و کسی که او را بر مرکبی سوار کند، خدا او را در قیامت بر ناقه‌ای بهشتی سوار کند که فرشتگان به آن می‌بالند. و هر کسی مؤمنی را هنگام مردن کفن کند، گویا او را از روز ولادت تا مرگش پوشانده است. و هر کس او را همسری دهد که مایه انس و آرامش او گردد، خداوند برای او در قبرش مونسى به شکل محبوب‌ترین افراد خانواده اش قرار

۱. ثواب الاعمال، ص ۸۱



شیخ صدوق می نویسد: «لَمَّا وَضِعَ عَلَى الْمُتَسَلِّ نَظَرُوا إِلَى ظَهْرِهِ وَعَلَيْهِ مِثْلُ رُكْبِ الْإِبِلِ مِمَّا كَانَ يَحْمِلُ عَلَى ظَهْرِهِ إِلَى مَنَازِلِ الْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ»<sup>۵</sup> و وقتی او را در جایگاه غسل قرار دادند، به پشتش نگاه کردند و پینه‌ای دیدند که اثر چیزهایی بود که بر پشت می گذاشت و به منازل فقرا و مساکین می برد.»

۱۰. خیرخواهی و نصیحت

حجم عظیم نامه‌های حضرت به یاران و شیعیان و نصیحت و خیرخواهی آنان، به تنهایی گواه این روحیه امام است. ما تنها به حق نصیحت کننده و نصیحت شونده از نگاه حضرت سجاد علیه السلام بسنده می کنیم: «وَأَمَّا حَقُّ الْمُنْتَصِحِ فَإِنَّ حَقَّهُ أَنْ تُؤَدِّيَ إِلَيْهِ النَّصِيحَةَ عَلَى الْحَقِّ الَّذِي تَرَى لَهُ أَنَّهُ يَحْمِلُ وَيُخْرِجُ الْمَخْرَجَ الَّذِي يَلِينُ عَلَى مَسَامِعِهِ وَتُكَلِّمُهُ مِنَ الْكَلَامِ بِمَا يَطْبِقُهُ عَقْلُهُ، فَإِنَّ لِكُلِّ عَقْلٍ طَبَقَهُ مِنَ الْكَلَامِ بَعْرِفَهُ وَيَجْتَنِبُهُ

به خدا سوگند! برآوردن حاجت مؤمن در پیشگاه خدا محبوب‌تر از دو ماه روزه پی در پی با اعتکاف آن دو ماه در ماه حرام می باشد.

پرسید: مگر مسافرت نرفتید؟ فرمود: چنان که تو گمان کرده‌ای، نیست. این سفر مرگ است. آماده آن هستم و آمادگی برای آن با دوری از حرام و بذل مال و عطا و بخشش است.<sup>۱</sup>

آن حضرت هزینه زندگی صد خانواده تهیدست مدینه را بر عهده داشت.<sup>۲</sup> گروهی از اهل مدینه از غذای شبانه‌ای که به دستشان می رسید، زندگی را می گذراندند و فقط بعد از شهادت امام و قطع غذا، متوجه آورنده آن شدند.<sup>۳</sup> امام به صورت ناشناس کیسه نان و غذا به دوش می کشید و به خانه فقرا می برد و می فرمود: «صدقه پنهانی، آتش خشم خدا را خاموش می سازد.»<sup>۴</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۲۰.

۲. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۵۴.

۳. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۸۸.

۴. تذکرة الخواص، ص ۳۲۷.

۵. الخصال، ج ۲، ص ۵۱۷.

گفته، خدا را بر آن شکر کنی و نصیحتش را پذیرا باشی و ارج بنهی و اما اگر نادرست بود، باز هم به مهر و محبت با او برخورد کنی، نه آنکه او را متهم سازی و بدانی که در نصیحت تو کوتاهی نکرده، مگر اینکه اشتباه کرده است. البته در صورتی که او سزاوار اتهام باشد، در هیچ حالی نباید به حرف او اعتنا کنی و هیچ نیرو و توانی جز به خدا نیست.<sup>۳</sup>

#### ۱۱. شجاعت

اوج شجاعت امام سجاد علیه السلام را می توان در مجلس عبیدالله بن زیاد و یزید بن معاویه دید. وقتی عبیدالله متوجه امام شد و پرسید: او کیست؟ پاسخ شنید که علی بن الحسین است. او گفت: مگر علی بن الحسین را خدا نکشت! امام پاسخ داد: برادری به نام علی داشتم که مردم او را شهید کردند. عبیدالله گفت: نه، خدا کشت. امام آیه

وَلْيَكُنْ مِنْكَ الرِّحْمَةَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؛<sup>۱</sup>  
و اما حق آن که از تو نصیحت می طلبد، آن است که به قدر شایستگی و تحملی که دارد، و آن گونه که گوشش را نوازش دهد، سخن بگویی، و حرفی بزنی که در خور فهم و عقلش باشد؛ زیرا هر عقلی توان درک سخنی را دارد و جز آن را درک نمی کند. و [علاوه بر این] باید نصیحت به همراه مهربانی باشد، و هیچ نیرو و توانی جز به خدا نیست.

«وَأَمَّا حَقُّ النَّاصِحِ فَإِنَّ تَلْبِينَ لَهُ جُنَاحُكَ  
ثُمَّ تَشْرُوبُ لَهُ قَلْبِكَ وَتَفْتَحُ لَهُ سَمْعَكَ حَتَّى  
تَفْهَمَ عَنْهُ نَصِيحَتَهُ ثُمَّ تَنْظُرُ فِيهَا، فَإِنْ كَانَ وَفَّقَ  
فِيهَا لِلصَّوَابِ حَمِدْتَ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ وَقَبِلْتَ  
مِنْهُ وَعَرَفْتَ لَهُ نَصِيحَتَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ وَفَّقَ لَهَا  
فِيهَا رَحِمْتَهُ وَلَمْ تَنْهَمْهُ وَعَلِمْتَ أَنَّهُ لَمْ يَأْلَكَ  
نُضْحًا إِلَّا أَنَّهُ أَخْطَأَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ عِنْدَكَ مُسْتَحِقًّا  
لِلنَّهْمَةِ فَلَا تَغْبِئْ بِشَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ  
لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ...»<sup>۲</sup> و اما حق کسی که تو را  
نصیحت می کند، این است که در برابر  
او متواضع باشی و با جان و دل  
نصیحت او را گوش کنی تا نصیحت او  
را بفهمی. وانگهی در باره آنچه  
شنیده ای، فکر کنی. اگر به حق سخن

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۶۶.

۲. همان

۳. در تحف العقول، ص ۱۸۴ به بعد، نامه های امام به زهری و... را مطالعه کنید.

﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا﴾<sup>۱</sup> را قرائت کرد و ابن زیاد که خشمگین شده بود، دستور قتل امام را صادر کرد. امام سجاد علیه السلام با شجاعت بی نظیر فرمود: «بِالْقَتْلِ تَهْتَدُنِي يَا ابْنَ زَيْدٍ! مَا عَلِمْتُ أَنَّ الْقَتْلَ لَنَا عَادَةٌ وَكِرَامَتُنَا الشَّهَادَةُ»<sup>۲</sup> (ای ابن زیاد) مرا با قتل تهدید می کنی! نمی دانی که کشته شدن، عادت، و شهادت، کرامت ماست!»

در مجلس یزید نیز همین شبهه (جبری بودن شهادت امام حسین علیه السلام) از سوی یزید مطرح شد که امام فرمود: ما جز قضای الهی که حکمش در آسمان و زمین جریان دارد، چیز دیگری ندیدیم. یزید گفت: تو پسر کسی هستی که خدا او را کشت. امام فرمود: من علی پسر کسی هستم که تو او را کشتی. امام این آیه را خواند که: ﴿وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَكَلَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا﴾<sup>۳</sup> «و هر کس مؤمنی را عمدأ بکشد، مجازاتش جهنم جاودان است و خدا بر او غضب می کند و از رحمتش دور می سازد و عذاب بزرگی برای او آماده کرده است.»

یزید که نتوانست پاسخی بدهد، خشمگین شد و دستور قتل حضرت را صادر کرد. در اینجا نیز امام با شجاعت تمام فرمود: «هرگز فرزندان اسیران آزاد شده نمی توانند به قتل انبیاء و اوصیا فرمان دهند، مگر اینکه از دین اسلام خارج شوند»<sup>۴</sup>.

امام سجاد علیه السلام آن گاه که در مقابل سخنان بی پایه و اساس خطیب یزید قرار گرفت و بالای منبر رفت، به این ویژگی خود (شجاعت) تصریح کرد و فرمود: «ای مردم! خداوند به ما خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله شش امتیاز ارزانی داشته و با هفت فضیلت بر دیگران برتری بخشیده است. شش امتیاز ما این است که خدا به ما علم، حلم، بخشش و بزرگواری، فصاحت، شجاعت و محبت مکنون در دلهای مؤمنان بخشیده است...»<sup>۵</sup>.

آن حضرت این ویژگی اخلاقی را

۱. الزمر/۴۲.

۲. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۷.

۳. نساء/۹۳.

۴. ذریعة النجاة، ص ۲۳۴.

۵. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۳۷.

شد، در حالی که عبايي بر دوش داشت و زيباترين مردم و خوش بو ترين آنان بود و بر پيشاني اش علامت سجده نقش بسته بود. تا به نزديک حجرالاسود رسيد، مردم به نشانه تجليل کنار رفتند و ايشان حجرالاسود را استلام کرد. هشام با خشم از اطرافيان پرسيد: او کيست؟ همان دم، فرزدق گفت: من او را مي شناسم.

هَذَا الَّذِي تَعْرِفُ الْبَطْحَاءَ وَطَأْتَهُ  
وَالنَّبِيَّتُ يَغْرِفُهُ وَالْحِجْلُ وَالْحَرَمُ  
هَذَا ابْنُ خَيْرِ عِبَادِ اللَّهِ كَأَلْهَمِ  
هَذَا التَّقِيُّ التَّقِيُّ الظَّاهِرُ الْعَلَمُ  
إِذَا رَأَتْهُ قَرِيْشٌ قَالَ قَائِلُهَا

إِلَى مَكَارِمِ هَذَا يَسْتَهِي الْكَرَمُ  
يعني: اين كسي است كه بطحا (نام جايي در مکه) جاي پايش را مي شناسد و خانه كعبه و حرم و بيرون حرم با او آشناست.

اين شخص پسر بهترين بندگان خداست و پرهيزكار، برگزيده، پاكيزه، و راهنماست. هنگامي كه قريش او را بينند، گوينده آنها مي گويد: كرم وجود

همواره دارا بود؛ لذا زماني هم كه عبدالملك در مراسم طواف بيت الله الحرام امام راديد و گفت: اي علي بن حسين! من قاتل پدر شما نيستم، پس چرا نزد ما نمي آيي؟ امام با صراحت و شجاعت فرمود: قاتل پدرم با عملي كه انجام داد، دنياي پدرم را تباه كرد و پدرم آخرت او را. تو هم اگر دوست داري، قاتل پدرم باشي، مي تواني. عبدالملك با اين پاسخ از حالت نخوت بيرون آمد و گفت: هرگز! اما نزد ما بيا تا از دنياي ما بهره مند شوي. امام اين سخن او را بي پاسخ گذاشت.<sup>۱</sup>

## ۱۲. سيادت و عظمت

به تصريح خود امام، آن حضرت و اهل بيت عليه السلام از فضيلتهايي خدا دادی مثل: بزرگواری و محبت پنهان در دلهاي مؤمنان برخوردار بودند.<sup>۲</sup> نمونه‌اي از اين سيادت و محبت در قلوب مؤمنين را مي خوانيم:

هشام بن عبد الملك در ايام حج به دليل ازدحام جمعيت نتوانست حجرالاسود را استلام كند. براي همين منبري آوردند و او بر آن نشست. در همين لحظات، امام زين العابدين وارد

۱. اثبات الهداة، ج ۵، ص ۲۲۹.

۲. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۳۷.

به مکارم او ختم می شود.<sup>۱</sup>

### ۱۳. امر به معروف و نهی از منکر

امام سجاده علیه السلام هم به عنوان امام، مسئول اصلی امر به معروف و نهی از منکر در تمام ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ... بود و هم به عنوان یک عضو از جامعه اسلامی این مسئولیت را عهده دار بود. از اینرو، در سیره و سخن آن حضرت بارها از این مسئولیت سخن به میان آمده است. امام سجاده علیه السلام در مقابل انحرافات، چون: غلو، جبر گرایی، گروههای مشبّهه، متصوّفه و زاهد نمایان و علمای درباری به شیوه های مختلف به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر عمل می کرد و این در حالی بود که در این دوره رسماً جلوی امر به معروف و نهی از منکر گرفته می شد.

امام سجاده علیه السلام درباره اهمیت هدایت و راهنمایی به معروفها و رهانیدن از ضلالت می فرمود: «به شیعیان من مژده ثواب بزرگ و پاداش فراوان بدهید که خدای تعالی به موسی علیه السلام چنین وحی کرد: مرا در نزد آفریدگانم و آفریدگانم را نزد من

محبوب ساز! موسی پرسید: چگونه؟ فرمود: رحمتها و نعمتها را به یادشان بیاور؛ چرا که اگر فرار کننده از در خانه یا گمگشته از آستانه مرا به سوی من باز گردانی، برای تو بالاتر از عبادت صد سال است که روزهایش را روزه بداری و شبهایش را به نماز و عبادت بگذرانی.»<sup>۲</sup>

آن حضرت با بیان حقوق اسلامی به نوعی در مشخص کردن مرز ارزشها و ضد ارزشهای دینی تلاش کرد.

همچنین در روایتی ترک فریضه امر به معروف و نهی از منکر را معادل ترک کتاب الله دانست و فرمود: «الَّتَارِكُ لِلْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ كُنَابِذِ كِتَابِ اللَّهِ وَرَأَى ظَهْرَهُ الْآنَ يَتَّقِي تَقَاةَ فُقَيْلٍ لَهُ مَا تَقَاتَهُ؟ قَالَ يَخَافُ جَبَّارًا أَنْ يَفْزُطَ عَلَيْهِ أَوْ أَنْ يَطْفَعِي»<sup>۳</sup>؛ ترک کننده امر به معروف و نهی از منکر، مانند کسی است که کتاب خدا را پشت سر انداخته است. مگر اینکه نهایت پرهیزگاری را بورزد. پرسیدند:

۱. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۸۳.

۲. لئالی الاخبار، ص ۲۱۴ و ر. ک. بحار الانوار، ج ۱، ص ۷۱.

۳. حلیة الاولیاء، ج ۳، ص ۱۴۰.

ای مردم! خداوند به ما  
 خاندان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ  
 شش امتیاز ارزانی  
 داشته و با هفت فضیلت  
 بر دیگران برتری  
 بخشیده است. شش  
 امتیاز ما این است که  
 خدا به ما علم، حلم،  
 بخشش و بزرگواری،  
 فصاحت، شجاعت و  
 محبت مکنون در دل‌های  
 مؤمنان بخشیده است

وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ؛<sup>۱</sup> گناهانی که بلا را  
 نازل می‌کنند، یاری نکردن غم‌دیده،  
 ترک یاری مظلوم و ضایع کردن امر به  
 معروف و نهی از منکر است.

۱. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۲.

۲. معانی الاخبار، باب ۱۳۶.

حق پرهیزگاری چگونه است؟ فرمود:  
 از ستم پیشه‌ای بترسد که مبادا بر او  
 ظلم مفرط کند و یا بترسد از آنکه خود  
 طغیان کند.

امام عَلَيْهِ السَّلَام در عمل و رفتار نیز عامل  
 به این اصل حیاتی بود؛ لذا یکی از  
 اصحاب را چنین نهی فرمود: «أَلَيْسَ لَكَ  
 أَنْ تَتَّقُدَ مَعَ مَنْ شِئْتَ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ  
 تَعَالَى يَقُولُ: ﴿وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي  
 آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي  
 حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِنَّا نُنسِيتُكَ الشَّيْطَانَ فَلَا تَقْعُدَ  
 بَعْدَ الذُّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾؛<sup>۱</sup> تو حق  
 نداری با هرکسی مجالست کنی؛ زیرا  
 خدای تعالی می‌فرماید: چون کسانی را  
 می‌بینی که درباره آیات ما به عناد  
 گفتگو می‌کنند، پس از ایشان رو  
 بگردان تا اینکه درباره مطلب دیگری  
 سخن بگویند و اگر شیطان از خاطر تو  
 برد، بعد از آنکه به خاطرت آمد، با  
 گروه ستمگران نشین ...»

امام زین العابدین عَلَيْهِ السَّلَام چنان  
 جایگاهی برای امر به معروف و نهی از  
 منکر قائل بود که می‌فرمود: «الدُّنُوبُ  
 الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلَاءَ تَرُكُ إِغَاثَةَ الْمَلْهُوفِ وَتَسْرُكُ  
 مَعُونَةَ الْمَظْلُومِ وَتَضْيِيعُ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ